

تحلیل فرمالیستی در لایه واژگانی سوره احزاب

حمیده حسنی حسین آبادی^۱

دل آرا نعمتی پیرعلی^۲

سوسن آل رسول^۳

عبدالمجید طالب‌تاش^۴

چکیده

تحلیل فرمالیستی یکی از روش‌های نوین در مطالعه متن از طریق بررسی مشخصه‌های متن در لایه‌های آوایی، واژگانی و نحوی است که به کشف موضوع اصلی و جهان‌بینی حاکم بر متن می‌انجامد؛ از این رو می‌توان گفت که تحلیل فرمالیستی در لایه واژگانی سوره‌های قرآن، راهی برای کشف ارتباط میان صورت و محتوای سوره و رهیافتی برای کشف موضوع اصلی سوره است. پژوهش حاضر به تحلیل فرمالیستی در لایه واژگانی سوره احزاب پرداخته است. این مطالعه در مقام پاسخگویی به این پرسش است که موضوع اصلی سوره احزاب چیست و الفاظ بکار رفته در سوره، چگونه با موضوع اصلی در ارتباطند؟ برای رسیدن به موضوع اصلی، سیاق‌های سوره احزاب و آیات و الفاظ کلیدی در هر یک از آنها بررسی شده است. همچنین در لایه واژگانی به کشف مشخصه‌های الفاظ بکار رفته در متن و پیوند آنها با موضوع اصلی سوره پرداخته شده است. این پژوهش بدست داده است که اطاعت، موضوع اصلی سوره است و معلوم شده است که کاربست معنادار الفاظ کلیدی دیگری همچون تقوا، عهد، اهل بیت، یعص و سلموا، موضوع اصلی را تأیید و تقویت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل فرمالیستی، لایه واژگانی، سوره احزاب، موضوع اصلی، اطاعت

**تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵ | DOI: 10.29252/PAQ.8.4.59

۱- دانشجوی گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. hasani5959@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول). dlrnemati@gmail.com

۳- استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. Susan_alerasol@yahoo.com

۴- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. talebtash@yahoo.com

۱. مقدمه

پذیرش ادبی بودن قرآن یعنی باور به این که قرآن در هر سوره، متنی یکپارچه و منسجم است که در آن، صورت و ظاهر، ارتباطی تنگاتنگ با موضوع اصلی هر سوره دارد. تبیین ادبی بودن قرآن، بازنمایی یکی از جلوه‌های اعجاز بیانی قرآن کریم است که این امر به همراه اثبات وحی‌انیت قرآن کریم، از دیرباز دغدغه مهم پژوهشگران و قرآن پژوهان بوده است و در گذر زمان جلوه‌های متعددی در پژوهش یافته است. در عصر حاضر بهره‌گیری از مباحث نوین زبان‌شناسی، روش‌های جدیدی را در مطالعات قرآنی ایجاد کرده است. توجه به مکاتب زبان‌شناسی که شکل، فرم و ظاهر متن را به محتوا و موضوع متن گره زده و همه این عناصر را به صورت همزمان در متن مورد توجه قرار می‌دهند. در این پژوهش مسأله اصلی تحقیق، کشف موضوع اصلی سوره احزاب و تبیین نحوه ارتباط ظاهر متن در لایه واژگانی با موضوع اصلی این سوره می‌باشد که در ضمن نشان دادن اهمیت استفاده از مباحث نوین زبان‌شناسی، می‌خواهد نحوه گزینش الفاظ در سوره احزاب و نحوه ارتباط شبکه‌ای آنها با موضوع اصلی این سوره را تبیین کند و از خلال آن روشی نو برای کشف موضوع اصلی در سوره‌ها، ارائه شود. در این مقاله با مدد از مباحث نوین زبان‌شناسی به تبیین نحوه گزینش الفاظ در سوره احزاب و نحوه ارتباط شبکه‌ای آنها با موضوع اصلی این سوره می‌پردازد.

۲. فرمالیسم

فرمالیسم یکی از مکاتب نقد ادبی در حوزه بررسی ادبیات از نظر زبان‌شناسی است که در اوایل قرن بیستم (۱۹۱۴ م) با تدوین مبانی و اصولی در نقد هنری و به طور ویژه در نقد ادبی، با تمرکز بر فرم و شکل اثر هنری، به وجود آمد. (احمدی، ۱۳۷۰: ۴۲) این نام به خاطر توجه افراطی نویسندگان این جنبش، به شکل، به آنها داده شد اما امروز بیانگر توجه آنان به معنای ویژه‌ای از شکل اثر هنری است که به معنای ساختار نزدیک است (احمدی، ۱۳۷۰: ۴۲). آنها مفهوم شکل را چنان توسعه دادند که غالباً مفهوم معنا را در خود جذب کرده به طوری که قادر به جدایی از هم نیستند. فرمالیست‌ها خواهان یافتن تناسب بین شکل اثر که در واژه تجلی پیدا می‌کند و معنای آن، هستند؛ به طوری که اثر

ادبی را اثری می‌دانند که شکل و معنای آن همچون دو روی سکه باشند و با شکل، بتوان به معنا دست یافت و بالعکس (پژوهشنامه نقد ادب عربی، شماره ۱۱، ۲۱۳-۲۴۹). البته باید توجه داشت که منظور نقد فرمالیستی از شکل و صورت، صرفاً قالب ظاهری یک اثر ادبی نیست بلکه منظور عناصری است که در ارتباط با یکدیگر یک ساختار منسجم را به وجود می‌آورند. (شایگان‌فر، ۱۳۸۴: ۴۳). اهمیت کار فرمالیست‌ها در این است که اعلام کردند پژوهش ادبی و تحلیل آن باید بر اساس قواعد و هنجارهای درون‌مدار و ادبی باشد (قاسمی‌پور، ۱۳۹۱: ۵)

۳. تحلیل فرمالیستی در لایه واژگانی

این عنوان به معنی بهره‌مندی از اصول مکتب فرمالیسم در بررسی لایه واژگانی است که شامل توجه به ظاهر متن و کشف محتوا و موضوع اصلی متن می‌شود. برای تحلیل فرمالیستی یک سوره ضرورت دارد ابتدا ساختار سوره و موضوعهای متعدد آن شناسایی شده و ارتباط مفهومی بخشهای مختلف آن تبیین شود و منظور از لایه واژگانی، بررسی سوره با توجه به نحوه کاربست واژگان در متن و کشف کارکردهای آنها در آشکار ساختن مقصود گوینده است. زیرا واژه‌ها علاوه بر این که ابزاری برای گوینده هستند تا اهدافش را بیان کند، دیدگاه او را نیز به متن منتقل می‌کنند. از این‌رو تحلیل واژگانی متن روش مناسبی برای کشف رابطه معنادار الفاظ با موضوع اصلی متن می‌باشد.

۴. معرفی سوره احزاب

سوره احزاب، یکی از سوره‌های مدنی است که در ترتیب نزول آن اختلاف است. از آنجا که در تعداد سوره‌های مکی و مدنی اختلاف است؛ بنابراین شماره سوره احزاب بر اساس ترتیب نزول، متفاوت خواهد بود اما در ترتیب مصحف سی و سومین سوره قرآن می‌باشد.

سوره احزاب، دشمنان جامعه ایمانی را در دو گروه ۱- کافر و مشرک ۲- منافق معرفی می‌کند. این دشمنان، در دو جبهه مختلف در صدد نابود کردن پیامبر (ص) و نبوت بودند و از هیچ کوششی برای خاموش کردن نور حق فروگذاری نمی‌کردند، با این تفاوت که کافران در صدد کشتن پیامبر و ترور جسمی او بودند و منافقین در صدد لکه‌دار کردن و به اصطلاح ترور شخصیتی او در مسائل زناشویی

و خانوادگی بودند. بنابراین نباید از وفور آیات مربوط به مسائل درونی و خانوادگی شخص پیامبر در این سوره تعجب کرد و آن را نوعی مطرح ساختن مسائل شخصی و فرعی که ارتباطی با مسائل جامعه ندارد، تلقی کرد بلکه این آیات از یک سو پیامبر را از اتهامات وارده تبرئه می‌کند و از طرف دیگر فرهنگ و سنت‌های جاهلی را نقض می‌نماید و مرزبندی دقیقی در مسأله روابط اولوالارحام، ارث و سرپرستی‌های اجتماعی ترسیم می‌نماید (بازرگان، ۱۳۷۵: ۲: ۱۷۵).

۵. سیاق‌های سوره و مفهوم مشترک بین آن‌ها

برای فهم بهتر مطالب یک سوره و تحلیل فرمالیستی دقیق آن لازم است از سیاقها کمک گرفت. بر اساس تقسیم‌بندی علامه در المیزان، سوره احزاب دارای ۷ سیاق است. سیاق اول از آیه ۱ تا ۸، سیاق دوم از آیه ۹ تا ۲۷، سیاق سوم از آیه ۲۸ تا ۳۵، سیاق چهارم از آیه ۳۶ تا ۴۰، سیاق پنجم از آیه ۴۱ تا ۴۸، سیاق ششم از آیه ۴۹ تا ۶۲ و سیاق هفتم از آیه ۶۳ تا ۷۳ می‌باشد.

۱-۵. سیاق اول: اطاعت از خدا

سیاق اول سوره احزاب شامل آیات ۱ تا ۸ است. سیاق، با امر پیامبر به تقوا و تبعیت از وحی و توکل به خدا و نهی از اطاعت کفار و منافقان، آغاز می‌شود که احتمال دارد پیش درآمد سوره در طرح موضوع محوری آن یعنی اطاعت از خدا باشد. آیه ۴ امر و نهی در آیات قبل را تعلیل کرده و بیان می‌کند اطاعت خدا با اطاعت کافران و منافقان منافات دارد؛ چون قبول ولایت خدا و ولایت آنان با هم جمع نمی‌شود؛ مانند توحید و شرک، که در یک قلب جمع نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶، ۴۱۰). در این آیه خداوند دو رسم جاهلی تبنی وظهار را نیز نفی می‌کند. در آیه ۶ ولایت عامه و سیمتی بالاتر از پدر را برای رسول خدا (ص) نسبت به مسلمانان وضع می‌کند «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» چنان‌که همسران آن حضرت را با عنوان اُمّ المؤمنین «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» معرفی می‌کند. در آیه ۷ «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ...» از میثاقی سخن می‌گوید که از پیامبران اولوالعزم در ایفای مسئولیت تبلیغ و رسالت گرفته است که با توجه به آیه ۷ سوره مانده یکی از این میثاق‌ها می‌تواند موضوع اطاعت از خدا و رسول باشد «وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا...». (مانده: ۷) با توجه به این مطالب آیات کلیدی این سیاق عبارتند از:

آیه ۱ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ...» که با مخاطب قرار دادن پیامبر از اطاعت کافران و منافقان نهی کرده، می‌تواند آیه کلیدی محسوب شود و آیه ۴ «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ وَ مَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ أَلْيَٰئِي تَظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أَمْهَاتِكُمْ...» که دو رسم جاهلی تبنی وظهار را باطل نموده، به عنوان آیه کلیدی در نظر گرفته می‌شود. آیه ۷ «وَ إِذِ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ...» از آنجا که در راستای آیه آغازین سوره یعنی اطاعت از خدا، اخذ میثاق از پیامبران را بیان کرده، می‌تواند در زمره آیات کلیدی قرار می‌گیرد. با توجه به آیات کلیدی، تقوا و اطاعت کلمات کلیدی سیاق می‌باشند و عنوان «اطاعت از خدا» برای سیاق اول عنوان مناسبی می‌باشد.

۲-۵. سیاق دوم: وفای به عهد و صدق ایمان

سیاق دوم که شامل آیات ۹ تا ۲۷ است غزوه احزاب و بنی قریظه و امدادهای غیبی و نصرت الهی را یادآور شده و سختی‌ها و صحنه‌های جنگ را با به کارگیری صنایع ادبی به زیبایی ترسیم می‌کند. در این جنگ منافقان و افراد مریض‌القلب که وعده خدا و رسول را فریب می‌دانستند، به بهانه حفاظ نداشتن خانه‌هایشان از پیامبر اجازه بازگشت به خانه را می‌خواستند در حالی که قصدی جز فرار نداشتند، اما مؤمنان ثابت‌قدم و راستین نه تنها از ایمانشان کاسته نشد، بلکه بر ایمان و تسلیم آنان نیز افزوده گردید. در پایان سیاق، از فرار کافران بدون هیچ خیر و غنیمتی یاد کرده و نیز دست یافتن مؤمنان بر اموال و قلعه‌های مستحکم بنی قریظه را گزارش کرده است. در این سیاق خداوند رسول خدا (ص) را یک اسوه و الگو برای مؤمنین معرفی می‌کند. آیات کلیدی در این سیاق عبارتند از: آیه ۱۵ «وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَ كَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا» که در این آیه از مسئول بودن در برابر عهد خدا سخن گفته و می‌تواند آیه کلیدی در نظر گرفته شود. آیه ۲۱ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» که اسوه بودن رسول خدا را مطرح کرده و آیه ۲۳ «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ...» که سخن از مردان پای‌بند به عهد الهی را به میان آورده، می‌توانند آیات کلیدی محسوب شوند؛ کلمه کلیدی این سیاق نیز «عهد» می‌باشد. مطلب قانونی سیاق دوم وفای به عهد الهی خصوصا در میدان جنگ است و از صدق ایمان که از ملزومات وفای به عهد است نیز سخن به میان آمده است؛ لذا عنوان «وفای به عهد و صدق ایمان» عنوان مناسبی برای سیاق دوم خواهد بود.

۳-۵. سیاق سوم: همسران پیامبر و مسأله اطاعت

آیات ۲۸ تا ۳۵ سیاق سوم را تشکیل می‌دهند که موضوع اطاعت از پیامبر در منزل و توسط همسرانش را بیان می‌کند. در ابتدا از مخیر بودن همسران رسول در انتخاب دنیا و زینت‌های آن و خدا و رسول و زندگی اخروی سخن می‌گوید سپس عذاب مضاعف در قبال انجام فحشاء و پاداش دو برابری در قبال قانت بودن و انجام عمل صالح را برای همسران رسول بیان می‌کند پس از آن اسوه و الگویی برای همسران پیامبر معرفی می‌کند که همان اهل بیت پیامبر می‌باشند. آیات کلیدی سیاق، آیه ۲۸ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلزَّوْجِكَ إِن كُنْتَن تَرْضُنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زَيْتَهَا ...» که مضمون اطاعت همسران از رسول را در بردارد، آیه ۳۰ «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ...» که عذاب دو برابری همسران رسول، در مقابل انجام فحشای آنها را بیان کرده، آیه ۳۲ «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ ...» که به نهی همسران رسول در مورد یک رفتار ناشایست پرداخته و آیه ۳۳ «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» که مسأله تطهیر اهل بیت را بیان نموده، می‌باشند.

قانت بودن از مراتب اطاعت است و این واژه می‌تواند یکی از واژگان کلیدی محسوب شود. از آنجا که این سیاق در مورد همسران رسول و بیان احکامی در مورد آنهاست و از طرفی در این سیاق امر به اطاعت از خدا و رسول نیز بیان شده است؛ لذا عنوان «همسران پیامبر و مسأله اطاعت» عنوان مناسبی برای سیاق سوم خواهد بود.

۴-۵. سیاق چهارم: مؤمنین و مسأله اطاعت

در آیه آغازین سیاق، مضمون اطاعت از خدا و رسول در تقابل با واژه عصیان قرار گرفته و نتیجه عصیان از خدا و رسول را ضلالت مبین بیان می‌کند، سپس به داستان ازدواج پیامبر با زینب همسر زید، پسرخوانده رسول خدا اشاره می‌کند تا عملاً به ابطال رسم تبنی بپردازد. آیه کلیدی این سیاق آیه ۳۶ «مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» است که مضمون اطاعت از خدا و رسول در تقابل با عصیان از خدا و رسول قرار گرفته است. کلمه «يعص» نیز کلمه کلیدی سیاق می‌باشد. از آنجا که این سیاق با سخن در

مورد مؤمنین آغاز شده و موضوع اطاعت از خدا و رسول را بیان کرده است؛ بنابراین می‌توان عنوان این سیاق را «مؤمنین و مسأله اطاعت» نامید.

۵-۵. سیاق پنجم: شأنیت پیامبر در مسأله اطاعت

سیاق پنجم از آیه ۴۱ تا ۴۸ با اشاره به برخی از صفات رسول، شأنیت پیامبر را در مسأله اطاعت بیان می‌کند. سپس مانند ابتدای سوره، پیامبر را از اطاعت کافران و منافقان نهی کرده و راهکار آن را توکل بر خدا بیان نموده است. آیه ۴۳ «هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ...» که مسأله درود خدا و ملائکه بر مؤمنین را بیان کرده و آیه ۴۵ «يَأَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» با بیان برخی از صفات پیامبر و آیه ۴۸ «وَلَا تُطِيعِ الْكُفْرِيْنَ وَالْمُنَافِقِيْنَ وَدَعْ أَذُنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» که تکرار آیه آغازین سوره است و بیانگر توکل به خدا و مطیع کفار و منافقان نبودن است، آیات کلیدی سیاق می‌باشند. با توجه به آیات کلیدی سیاق، واژه، «يُصَلِّيْ» کلمه کلیدی سیاق می‌باشد. مطلب کانونی این سیاق، بیان صفات پیامبر و شأن ایشان در مسأله اطاعت است در نتیجه «شأنیت پیامبر در مسأله اطاعت» عنوان مناسبی برای این سیاق خواهد بود.

۵-۶. سیاق ششم: وجوب اطاعت از رسول

سیاق ششم شامل آیات ۴۹ تا ۶۲ می‌باشد که با مخاطب قرار دادن مؤمنان به یکی از حکمهای طلاق اشاره کرده سپس با مخاطب قرار دادن رسول خدا زنانی که برای ازدواج با پیامبر حلال هستند را معرفی می‌کند. پس از آن به کیفیت مهمان رسول خدا شدن اشاره کرده است. در آیه ۵۶ صلوات خدا و ملائکه بر رسول خدا را بیان کرده و در پایان آیه با مخاطب قرار دادن مؤمنان آنها را به صلوات و سلام بر رسول امر می‌کند. در آیه بعد به طور صریح از اذیت رسول و مؤمنان نهی کرده و آن را گناه بزرگی بیان می‌کند، سپس با مخاطب قرار دادن پیامبر همسران رسول و زنان و دختران مؤمنین را به استفاده از جلایب امر می‌کند تا از اذیت در امان باشند. آیات کلیدی این سیاق، آیه ۵۶ «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» که صلوات خدا و ملائکه را بر رسول بیان کرده و آیه ۵۹ «يَأَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ

جَلَّابِيهِنَّ...» که استفاده از جلابیب را با ذکر دلیل توصیه کرده، می‌باشند. با توجه به آیات کلیدی می‌توان کلمات کلیدی را «صلّوا» و «سلموا» در نظر گرفت. مطلب کانونی سیاق «وجوب اطاعت از رسول» است که عنوان مناسبی برای این سیاق می‌باشد.

۵-۷. سیاق هفتم: عاقبت و نتیجه اطاعت

در سیاق آخر سوره یعنی از آیه ۶۳ تا ۷۳ در ابتدا پرسش کسانی را که با استهزاء زمان قیامت را می‌پرسیدند آورده و با طرح پرسشی در پاسخ آنها، به شدیدترین نحوی قریب بودن قیامت را بیان می‌کند در ادامه، خداوند با مخاطب قرار دادن مؤمنان در دو آیه پیاپی از آنها می‌خواهد که پیامبر اکرم را نیازارند و همچون مردمی نباشند که حضرت موسی را آزرده و پاداش اطاعت از خدا و رسول را فوز عظیم بیان می‌کند. در پایان سیاق از عرضه بار سنگین امانت و تکلیف الهی بر دوش انسان خبر داده و نتیجه نفاق و شرک را عذاب الهی و ثمره ایمان را غفران و رحمت الهی برشمرده است. بنابراین آیه ۶۶ «يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيِّنَا اَطَعْنَا اللَّهَ وَاَطَعْنَا الرَّسُولَ» که دو مرتبه واژه اطاعت را در خود جای داده و آیه ۷۲ «اِنَّا عَرَضْنَا الْاَمَانَةَ عَلَي السَّمَاوَاتِ وَاَلْاَرْضِ وَاَلْجِبَالِ فَاَبَيْنَ اَنْ يَحْمِلْنَهَا وَاَشْفَقْنَ مِنْهَا وَاَحْمَلَهَا الْاِنْسَانُ اِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» که مسأله عرضه امانت را بیان نموده، آیات کلیدی سیاق می‌باشند. از آنجا که مطالب این سیاق در مورد قیامت است و از طرف دیگر مسأله اطاعت نیز مطرح شده است مطلب کانونی سیاق «عاقبت و نتیجه اطاعت» می‌باشد که می‌تواند عنوان سیاق هفتم نیز انتخاب شود.

۶. تحلیل لایه واژگانی در سوره احزاب

منظور از تحلیل واژگانی، بررسی واژگان به کار رفته در سوره احزاب از نظر دلیل گزینش و انتخاب یک واژه و برجسته‌سازی آن واژه می‌باشد. معناشناسان معتقدند که معنی هر صورت زبانی را می‌توان به تعدادی محدود مشخصه معنایی تجزیه کرد و معانی مختلف را نتیجه ترکیب متفاوت این مشخصه‌ها دانست (باطنی، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

موضوع اصلی سوره، مانند محوری است که کلمات کلیدی دیگر حول آن محور قرار می‌گیرند. واژگان کلیدی منتخب سیاقها، یک شبکه معنایی را تشکیل می‌دهند که اطاعت از خدا و رسول در

رأس این شبکه قرار می‌گیرد. در قرآن کریم بین خدا و بندگان عهدهای فراوانی می‌باشد. در سوره احزاب در سیاق دوم از عهدهی سخن گفته که فرار نکردن از جنگ بود. کسانی که بر این عهد پایبند باشند و آن را تصدیق کنند یا در جنگ به شهادت می‌رسند یا در زمره منتظران شهادت قرار می‌گیرند؛ لذا وفای به عهد در ارتباط مستقیم با مفهوم اطاعت می‌باشد. در سیاق سوم از اهل بیت نام برده که همان فرزندان رسول هستند و می‌توانند پس از پیامبر اسوه مؤمنین باشند. در سیاق ششم بیان می‌کند که خدا و ملائکه بر رسول صلوات می‌فرستند و شما نیز باید این عمل را انجام دهید علاوه بر آن باید تسلیم او نیز باشید که این تسلیم از مراتب اطاعت از رسول است. مراتب دیگر اطاعت از خدا و رسول، قانت یعنی فرمانبردار بودن است. در همین سیاق، بیان شده کسی که فرمانبردار خدا و رسول نباشد یعنی عصیان کند، ضلالت مبین برایش خواهد بود. در ذیل بعد از تحلیل مختصر واژگان کلیدی به دلیل گزینش واژه و ارتباط آن با موضوع محوری سوره یعنی اطاعت از خدا و رسول پرداخته می‌شود.

۱-۶. تقوا

ابن فارس می‌گوید: الواو والقاف والياء: کلمه واحدی است که بر دفع چیزی بر چیزی غیر از آن دلالت می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۳۱) راغب در معنای «وقایه» آورده است که نگه‌داشتن چیزی است از آنچه که به او زیان و ضرر می‌رساند و تَقْوَى یعنی انسان نفس و جان خود را از آنچه که بیمناک از آن است نگهدارد، این حقیقت معنی تقوا است سپس گاهی خود خوف و ترس، تَقْوَى نامیده شده است. در شریعت و دین، تقوا یعنی خودنگهداری از آنچه که به گناه می‌انجامد و این تقوا به ترک مانع تعبیر می‌شود که با ترک نمودن حتی بعضی از مباحات که گناه هم ندارند کامل و تمام می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ش: ۴، ۴۷۹).

واژه «وقی» با مشتقاتش ۲۵۸ بار در ۶۳ سوره و ۲۳۷ آیه آمده است که از این تعداد ۵ بار در سوره احزاب آمده است که در سیاق اول و در آیه آغازین این سوره، یعنی آیه کلیدی سیاق، با واژه «اتَّقِ اللَّهَ» آمده است که با خطاب قرار دادن رسول خدا، ایشان را به تقوای الهی امر می‌کند «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (احزاب ۱/۳۳) حال سؤال این است دلیل

گزینش این واژه در آیه ابتدای سوره احزاب چه بوده است؟ با توجه به آیه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (ال عمران ۱۴۹/۳) اطاعت از کفار این نتیجه را در پی دارد که کفار، شما را به عقب برمی‌گردانند یعنی ایمان شما را می‌گیرند و در نتیجه، در خسران قرار می‌گیرید؛ لذا خداوند در این آیه ابتدا پیامبر را به تقوای الهی امر می‌کند تا بیان کند که شرط موفقیت در اطاعت نکردن از کافران و منافقان، مجهز شدن به تقوای الهی است؛ زیرا معنای تقوا حفظ کردن یک شی از خلاف و عصیان در خارج و در مقام عمل است و همین معناست که سبب گزینش واژه در این آیه شده؛ زیرا واژه دیگری نمی‌تواند این بار معنایی را حمل کند و مناسب این آیه باشد. شاید بتوان گفت اعلی مرتبه تقوا عبارت است از تفکر توحیدی و اطاعت محض از الله و اعراض از اطاعت کافران و منافقان؛ لذا از این طریق و با مخاطب قرار دادن پیامبر، مؤمنین را متوجه اعلی مرتبه تقوا و اطاعت می‌کند. از همین معنا هم می‌توان پی برد که موضوع اصلی سیاق و بلکه سوره، اطاعت است؛ چرا که اطاعت است که موجب تقویت تقوا می‌شود. تبیین این مطلب این است که تقوا یک حداقلی دارد که آن تقوای عقلی است، اطاعت از عقل موجب تحقق تقوای عقلی و سپس هدایت‌های برتر و در نتیجه تقوای برتر می‌شود و تقوای بیشتر، اطاعت بیشتر را موجب می‌گردد، بنابراین اطاعت و تقوا یک رابطه کاملاً دوسویه دارند که از نازل‌ترین مرتبه تقوا (کنترل فکر) یعنی کنترل عقل شروع می‌شود.

۶-۲. اطاعت

«الطَّوْعُ» انقیاد و فرمانبری است و نقطه مقابلش کره یعنی نافرمانی است. «طَاعَةٌ» مثل طوع است ولی طاعه بیشتر در فرمانبرداری با رأی و اختیار است در آنچه که امر شده است و دعا کردن و خواندن خدا هست به بزرگی در آنچه که منظور شده است. معنی دقیق طاعت همان به بزرگی یاد کردن خدای و تسییح و تنزیه اوست (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ش: ۲، ۵۱۲). فراهیدی گفته است: «الطَّاعَةُ» اسمی است که مصدرش الإِطَاعَةُ است و به معنی انقیاد می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۲، ۲۰۹). مصطفوی می‌گوید: اصل واحد در ماده، همان عمل به آنچه که آن را امر و حکم با رغبت و خضوع

اقتضا می‌کند، می‌باشد پس برای آن سه قید است: رغبت، خضوع و عمل بر طبق امر. هرگاه از رغبت و تمایل فاقد شود کره بر آن تصدیق می‌کند چه اینکه خضوع حاصل شود یا عمل شود یا نشود (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ۷، ۱۳۷). واژه طوع همراه مشتقاتش ۱۲۹ مرتبه در ۱۱۸ آیه آمده است که این آیات در ۴۰ سوره واقع شده‌اند. در سوره احزاب واژه اطاعت ۷ بار آمده است. دلیل گزینش این واژه این است که معنای اطاعت عبارت از رغبت، خضوع و میل به امر است یعنی در اطاعت، نسبت به مطاع خضوع وجود دارد و خداوند در نهی از اطاعت از کفار و منافقین می‌خواهد خضوع برای آنها را حذف کند؛ زیرا فقط خداوند و رسول و اولی‌الامر شایسته خضوع و فرمانبری می‌باشند و این امر بارها در قرآن بیان شده است. شاید این سؤال مطرح شود که چرا در اینجا واژه «تبعیت» به کار نرفته است؟ با دقت در آیات شامل واژه تبعیت دو نکته به دست می‌آید: یک نکته اینکه تبعیت یعنی خود را شبیه محبوب کردن و همراه شدن با اوست «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي» (ابراهیم ۳۶/۱۴) و دیگر اینکه در تبعیت معمولاً فرمان و امری صادر نمی‌شود بلکه فرد تابع، نگاهش به متبوع است تا خود را شبیه او نماید و در حقیقت پیرو راه او باشد اما در اطاعت، فرمان و امری صادر می‌شود و فرد مطیع آن را انجام می‌دهد. در این آیه ابتدا به تقوا امر شده و در حقیقت خداوند به فرد مطیع امر می‌کند که تقوای الهی پیشه کند سپس از او می‌خواهد که در مقابل کافران و منافقان مطیع نباشد، در واقع خداوند راز موفقیت در متقی شدن را اطاعت نکردن از کافران و منافقان بیان می‌کند.

۶-۳. عهد

عهد به معنای وصیت و امر است. عَهْدٌ إِلَيْهِ یعنی هرگاه به او وصیت کرد و آیه «عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (بقره ۱۲۵/۲) یعنی به او وصیت کردیم و او را امر نمودیم (طریحی، ۱۳۷۵ش: ۳، ۱۱۲). صاحب قاموس عهد را به معنای نگهداری و مراعات پی در پی آورده است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱ش: ۵، ۵۹). مصطفوی می‌گوید: عهد، التزام خاص بر امری مخصوص در مقابل خداوند یا شخصی است که با عقد، وصیت و قسم محقق گشته و احتفاظ و امان را در پی دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ۸، ۲۴۶). راغب در مفردات آورده: عهد، حفظ و نگه داشتن و مراعات چیزی است که مراعات آن لازم است.

«عَهْدَ فُلَانٍ إِلَى فُلَانٍ» یعنی با او پیمان بست و به حفظ و نگهداری پیمان سفارش نمود به اعتبار معنای حفظ در واژه عهد و پیمان به وثیقه‌ای که میان دو نفر بسته می‌شود نیز عهد گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ش: ۲، ۶۶۰)؛ بنابراین، عهد الی به معنای پیمانی است که بین دو نفر بسته می‌شود همان‌طور که در سوره بقره، آیه ۱۲۵ به کار رفته است «... وَ عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره ۱۲۵/۲) که بیشتر به معنای توافق دوطرفه است و در ۱۱ آیه از قرآن به کار رفته است. «پرکاربردترین وجه معنایی عهد در قرآن، ایمان است که شامل پیمان انسان با دیگران (اسراء/۳۴)، پیمان الهی به معنای امر خداوند به انسان (بقره/۴۰) و توصیه و وصیت خداوند به انسان (یس/۶۰) است اما به هرحال عهد خداوند با انسان، عهد بر سر تکلیف الهی است که با امر و یا توصیه قرین است. عهد در قرآن معانی دیگری مانند دین خدا (آل عمران/۷۷)، وفا و پای‌بندی (اعراف/۱۰۲) و دیدار پس از مفارقت (طه/۸۶) هم به کار رفته است و به طور کلی می‌توان گفت کلیه کاربردهای قرآنی عهد یا به طور صریح در معنای پیمان است یا در مواردی در معنای ای است که آنها نیز بالمازمه در معنای پیمان واجب الوفاء هستند. عهد انسان با خداوند هم در دو وجه عهد قولی (نحل/۹۱) و باطنی (احزاب/۲۳) در قرآن کریم مطرح شده است». (معرفت ادیان، شماره ۲، ۲۴-۵)

از ۴۶ مرتبه‌ای که واژه عهد در قرآن کریم به کار رفته، ۳ مرتبه در سوره احزاب آمده است. در سیاق دوم در آیات کلیدی ۱۵ و ۲۳ واژه عهد واقع شده است. در آیه ۱۵ «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْثِرُونَ الْأَدْبَارَ وَ كَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا» در مورد کسانی سخن می‌گوید که با خدا عهد کردند که از مقابل دشمن فرار نکنند و به جنگ پشت نکنند و در آیه ۲۳ «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَتَتَبَرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا» از مردان مؤمنی سخن گفته که به عهدی که با خدا بستند صادقانه وفا کردند. در این سوره واژه میثاق نیز آمده است اما دلیل گزینش واژه عهد به جای میثاق در این آیات، این است که میثاق به معنای محکم شدن یا محکم کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۰، ۳۷۱) و در قرآن به معنای عهد و پیمانی است که همراه با تأکید باشد؛ لذا میثاق نسبت به عهد، خاص است. از طرفی میثاق در قرآن، پیمانی است که خدا از پیامبران «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ» (ال عمران/۸۱) و اقوام آنها «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (بقره ۸۳/۲) اخذ کرده اما یکی از

وجوه معانی عهد در قرآن، آن‌چنان که ذکر شد، عهد انسان با خداوند است که نمونه بارز این نوع عهد در دو آیه ۱۵ و ۲۳ احزاب مطرح شده است؛ بنابراین به کارگیری واژه عهد در این دو آیه که در مورد عهدی است که بندگان با خدا بسته‌اند، کاملاً دقیق و بجا می‌باشد. با توجه به محور موضوعی سوره یعنی اطاعت از خدا و رسول و با دقت در این دو آیه کلیدی می‌توان گفت وفای به عهد الهی از جمله ملزومات اطاعت است.

۶-۴. اهل بیت

بنا بر استعمال قرآن مجید، و گفته اهل لغت، اهل در صورتی استعمال می‌شود که میان یک عده افراد، پیوند جامعی باشد مثل پدر، شهر، کتاب، علم و غیره و میان جامع و آن افراد انسی و الفتی لازم است و کلمه اهل به آن جامع اضافه می‌شود مثل اهل کتاب. قرآن کریم کسانی که با پیامبری هم عقیده باشند و به او ایمان آورند اهل او و ذریه او می‌داند و کسانی را که فرزند نسبی وی باشند در صورت ایمان نیاوردن از اهل او بیرون می‌داند مانند آیه‌ای که نوح به خداوند گفت فرزند من از اهل من است «رَبِّ إِنِّي ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ» (هود ۴۵/۱۱) و خداوند فرمود «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» یعنی او حتماً از اهل تو نیست او عمل غیر صالح است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۱، ۱۳۵).

واژه اهل بیت سه بار در قرآن به کار رفته است. سوره هود آیه ۷۳ «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»؛ آیه ۱۲ سوره قصص «وَحَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ» و آیه ۳۳ سوره احزاب شامل این عبارت می‌باشند.

آیه کلیدی ۳۳ در سیاق سوم سوره احزاب شامل واژه اهل بیت است «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب ۳۳/۳۳) خداوند در این آیه در مورد اهل بیت می‌فرماید: اراده نموده رجس را از آنها بزدايد و آنها را تطهير کند. خطاب «عَنْكُمْ» و «يُطَهِّرْكُمْ» در این قسمت از آیه بر خلاف آیات قبل و بعد است، زیرا همه خطاب‌ها در آن آیات، جمع مؤنث است؛ بنابراین، نمی‌شود خطاب «عَنْكُمْ» و «يُطَهِّرْكُمْ» به زنان آن حضرت باشد بلکه خطاب به جمعی است که همه آن مردان هستند و یا مردان در آن اکثریت دارند. در روایات شیعه و اهل سنت به طور مستفیض نقل شده که

مراد از «اهل البیت» در این آیه: رسول خدا، علی بن ابی طالب، فاطمه زهرا، حسن و حسین صلوات الله علیهم هستند (قرشی بنابی، ۱۳۷۵ش: ۸، ۳۵۴).

همه مفسران شیعی و برخی از مفسران اهل سنت اهل بیت را اصحاب کساء می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۱۶، ۳۱۱). برخی دیگر از مفسران اهل سنت این آیه را شامل اصحاب کساء و زنان پیامبر می‌دانند، (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳، ۵۳۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۵، ۱۶۸). برخی مفسران اهل سنت از جمله بخاری، ابن عساکر و ابن مردویه اهل بیت را فقط منطبق بر زنان پیامبر می‌دانند و برخی دیگر از مفسران اهل سنت از جمله اشعری اهل بیت را شامل همه خویشان رسول خدا اعم از زنان و خویشاوندان و فرزندان او می‌دانند (ر.ک: سراج منیر، شماره ۹، ۹۴-۸۰).

می‌توان گفت دلیل گزینش این واژه این است که خداوند با انتخاب این واژه و ایجاد هنجارگریزی واژگانی سبب برجسته شدن واژه و همچنین آیه شده است و همین امر سبب تدبر و تفکر بیشتری در آیه شده است. از طرفی در این آیه به اطاعت از خدا و رسول امر شده و همنشینی واژه اهل بیت با موضوع اطاعت، بیانگر این است که در مرتبه پس از رسول، اطاعت از اهل بیت به میان می‌آید همچنان که در حدیث ثقلین نیز به آن اشاره شده است.

۶-۵. یعص

«العصیان» خلاف طاعت است «عصی العبد ربّه» یعنی بنده از پروردگارش مخالفت کرد و «عصی فلان امیره» یعنی فلانی با امیرش مخالفت کرد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۵، ۶۷). عَصَى، عِصْيَانًا: وقتی است که کسی از اطاعت و فرمانبری خارج شود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ش: ۲، ۶۱۰). مصطفوی می‌گوید اصل واحد در این ماده مقابل اتباع است (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ۸، ۱۵۸).

در سیاق سوم سوره احزاب آیه ۳۶ آمده است: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» یعنی کسانی با امر خدا یا رسول مخالفت کنند یا از آنچه از آن نهی شده‌اند، نافرمانی کنند از راه هدایت و رشد منحرف می‌شوند (زحیلی، ۱۴۱۱ق: ۲۲، ۲۸). به کار بردن واژه «یعص» در این آیه معنای اطاعت از خدا و رسول را پررنگ می‌کند زیرا استفاده از جملات سلبی در کنار جملات ایجابی و امر سبب می‌شود معنای جمله امر به طور کامل فهمیده شود چرا که خداوند در پایان این آیه بیان

می‌کند هرکس از خدا و رسول نافرمانی کند برای او گمراهی مبین است. وقتی از اطاعت خدا و رسول صحبت می‌شود اگر از مخالفت و نافرمانی سخن گفته نشود معنای اطاعت به طور کامل روشن نمی‌شود اما وقتی بیان می‌شود که نافرمانی از خدا و رسول گمراهی مبین را در پی دارد، معنای اطاعت بیشتر و بهتر درک می‌شود.

۶-۶. سَلَمُوا

واژه «سَلَمُوا» که در سیاق ششم و در آیه کلیدی ۵۶ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَاسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» قرار گرفته است از «سلم» به معنای سلامت و سلام یعنی کنار بودن از آفات ظاهری و باطنی می‌باشد و «بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» یعنی دل و اندیشه‌ای که از دغل و نادرستی عاری باشد و این سلامتی باطنی است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ش: ۲، ۲۴۷). مصطفوی در معنای این واژه می‌گوید: اصل واحد در این ماده به معنای مقابل خصومت است و آن موافقت شدید در ظاهر و باطن است بنابراین اختلافی بین این دو وجود ندارد و از لوازم این معنی مفاهیم انقیاد و صلح و رضا است (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ۵، ۱۹۰).

در کتب تفسیر «سَلَمُوا» به معنای خضوع نمودن برای پیامبر (سمرقندی، ۳، ۷۲)؛ تسلیم و منقاد پیامبر بودن (حوی، ۱۴۲۶ق: ۸، ۴۴۷۱) و آنچه در تشهد گفته می‌شود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۳، ۴۸۲) آمده است. در روایتی از امام صادق (ع) نیز معنی تسلیم در این آیه تسلیم بودن در برابر پیامبر در هر کار آمده است. (طبرسی، ۲۰، ۱۷۰) مفسران در تفاوت میان «صَلُّوا» و «سَلَمُوا» گفته‌اند: «صَلُّوا» امر به طلب رحمت و درود فرستادن بر پیامبر است، اما «سَلَمُوا» به معنی تسلیم در برابر فرمانهای پیامبر گرامی اسلام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۱۷، ۴۱۷).

در این آیه انتخاب واژه تسلیم از این روست که تسلیم از مراتب اطاعت است؛ یعنی برای مطیع خدا و رسول شدن ابتدا باید تسلیم شد که تسلیم خود مراتبی دارد و انسانی که مطیع کامل دستورات خدا و رسول باشد به اعلی درجه تسلیم خواهد رسید. با توجه به معنای لغوی تسلیم که موافقت شدید در ظاهر و باطن است و از لوازم آن انقیاد و صلح و رضاست؛ بنابراین در جایگاه درست خود واقع شده و هیچ واژه دیگری نمی‌توانست همه این معانی را در برداشته باشد.

نتیجه

بررسی واژگان مؤثر در متن و کشف پیوند آنها با محتوای متن، یکی از کارآمدترین روشهای کشف موضوع اصلی متن است. برای شناخت سوره‌های قرآن کریم، در مقام متنی که از جنبه‌های ادبی برخوردار است و از انسجام بهره‌مند بوده و نیز دارای موضوع محوری خاص می‌باشد، می‌توان این شیوه فرمالیستی را بکار گرفت. در مطالعه سیاقهای سوره احزاب و توجه به آیات کلیدی و کلمات کلیدی هر سیاق، می‌توان ارتباط معنایی محکمی میان آنها با موضوع اطاعت را دریافت؛ از این رو می‌توان گفت که موضوع اطاعت در سرتاسر سوره مورد توجه است و محور اصلی سوره را تشکیل می‌دهد. همچنین بکار رفتن واژه اطاعت و کاربست واژگان دیگری که ارتباط معنایی با این لفظ دارند، آن هم در بستر موضوعات مختلفی که مربوط به عرصه‌های متفاوت حیات اجتماعی هستند؛ نظیر جنگ، تشریعات و سبک زندگی اجتماعی، نشان می‌دهد که سوره احزاب در لایه واژگانی، از الفاظی بهره برده که ابعاد و وجوه و جنبه‌های مختلف اطاعت از خدا و رسول را در عرصه‌های مختلف زندگی تبیین می‌کنند و در صدد تغییر سبک زندگی مخاطبان قرآن در ظلّ مفهوم اطاعت است.

منابع

- قرآن کریم

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. ۱۴۲۲ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، لبنان - بیروت: دارالکتاب العربی
۲. ابن فارس، أحمد بن فارس. ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغه، قم، چاپ اول
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم. ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر
۴. احمدی، بابک. ۱۳۷۰ش، ساختار و تأویل متن، کرج: پایا
۵. باطنی، محمدرضا. ۱۳۹۳ش، مسائل زبان‌شناسی نوین، تهران: آگه
۶. پور احمد، محمد و خلیل حکیمی فر. ۹۸/۴/۲. «میثاق در قرآن و عهد جدید»، ادیان و عرفان، ۱۳۹۷ش. سال ۵۱. شماره ۲. ۲۲۷-۲۰۳
۷. تاج‌بخش، اسماعیل. ۹۲/۴/۲۴. «اهل بیت در آیه تطهیر»، سراج منیر. ۱۳۹۱ش. دوره ۳. شماره ۹. ۸۰-۹۴
۸. حوی، سعید. ۱۴۲۶ق، الاساس فی التفسیر، مصر، قاهره: دار السلام، چاپ ششم
۹. خامه‌گر، محمد. ۲۰۱۸م، اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۶۹ش، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، غلامرضا حسینی خسروی. تهران: مرتضوی
۱۱. زحیلی، وهبه. ۱۴۱۱ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، سوریه - دمشق: دارالفکر
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل، لبنان، بیروت: دارالکتاب العربی
۱۳. سمرقندی، نصر بن محمد ۱۴۱۶ق، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، لبنان - بیروت: دارالفکر
۱۴. شایگان‌فر، حمیدرضا. ۱۳۸۴ش، نقد ادبی، تهران: انتشارات دستان
۱۵. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴ش، تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن. تفسیر مجمع البیان، ایران - تهران: فراهانی، چاپ اول
۱۷. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی
۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، لبنان، بیروت: دار إحياء التراث العربی
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم، چاپ دوم

۲۰. قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۲۱. قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۵ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت
۲۲. قاسمی‌پور، قدرت. (۱۳۹۱ش)، صورت‌گرایی و ساختارگرایی در ادبیات، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز
۲۳. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، چاپ اول
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دهم
۲۵. نعمتی بیرعلی، دل‌آرا. ۹۲/۱۱/۲. «عهد در کتاب مقدس و قرآن کریم». معرفت ادیان. ۱۳۹۶. شماره ۲. ۲-۵

A Formalist Analysis of Lexical Layers in Surah Al-Aḥzāb¹

Hamideh Hasani Hosseinabadi²

Delara Ne'mati Pirali³

Sousan Ale-Rasoul⁴

Abdol-Majid Talebtash⁵

Abstract

Formalistic analysis is one of the new methods in studying a text by examining the characteristics of the text in phonetic, lexical and syntactic layers, which leads to the discovery of the main topic and the worldview dominant in the text. It can be said that formalist analysis in the lexical layer of Qur'anic surahs is a way to discover the relation between the form and content of the surah and an approach to discover the main topic of the surah. The current study, as a formalistic analysis of the lexical layer of Surah Al-Aḥzāb, aimed to answer the question of what the main topic of Surah Al-Aḥzāb is and how the words used in this surah relate to the main topic. In order to discover the main topic, the contexts of this surah, and the key ayahs and words in each of them were examined. Moreover, in the lexical layer, the characteristics of the words used in the text and their connection with the main topic of this surah were explored. The findings show that obedience is the main topic of Surah Al-Aḥzāb and it was found that the meaningful use of other key words such as piety, covenant, Ahl al-Bayt, *Ya 'si* and *Sallimū* confirms and strengthens the main topic.

Keywords: formalistic analysis, lexical layer, Surah Al-Aḥzāb, main topic, obedience.

1. Date Received: December 3, 2020; Date Accepted: April 4, 2021

2. Department of Qur'an and Hadith, Islamic Azad University of Karaj; Email: hasani5959@yahoo.com

3. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith, Islamic Azad University of Karaj; Email: dlrnemati@gmail.com

4. Professor, Department of Qur'an and Hadith, Islamic Azad University of Karaj; Email: Susan_alerasol@yahoo.com

5. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith, Islamic Azad University of Karaj; Email: talebtash@yahoo.com